

*Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,*  
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)  
Monthly Journal, Vol. 21, No. 1, Spring 2021, 217-245  
Doi: 10.30465/crts.2020.26215.1581

**Review of the Book Entitled**  
*Persian Grammar based on the Autonomous Theory in*  
*Dependency Grammar*

**Masood Ghayoomi\***

**Abstract**

The dependency grammar is one of the grammar formalisms that is originated according to the dependency relations of lexical elements in a sentence. This dependency is based on the valence of the lexicon; therefore, in this formalism the semantic representation of the words as valence is the backbone of the grammar. The current paper reviews the book entitled “*Persian Grammar based on the Autonomous Theory in Dependency Grammar*” according to three major contents. Firstly, the chapters of the book are briefly overviewed. Then, the book’s content is evaluated and analyzed and the weak and strong points of the book are studied from different perspectives. In this section, some suggestions are provided for the terminology and expressed concepts. Since dependency grammar does not belong to generative grammar, a comparison is made between the dependency and phrase structure grammar formalisms to understand the content better and to ease the mind of the reader with the generative grammar background about the basic concepts of the dependency grammar. At the end, suggestions are provided to extend the dependency grammar in the book.

**Keywords:** Grammar Formalism, Dependency Grammar, Persian Language, Autonomous Theory, Omid Tabibzadeh.

---

\* Assistant Professor in Computational Linguistics, Faculty member at the Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran, M.Ghayoomi@ihcs.ac.ir

Date received: 2020-09-19, Date of acceptance: 2021-02-20



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## نقد و بررسی کتاب

### دستور زبان فارسی براساس نظریه گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی

مسعود قیومی\*

#### چکیده

دستور وابستگی یکی از دستورهای صورت‌گراست که براساس وابستگی بین عناصر واژگانی یک جمله بنا نهاده شده است. این وابستگی‌ها مبتنی بر ظرفیت واژگان است. بنابراین، بازنمایی معنایی واژه‌ها در چهارچوب ظرفیت ستون فقرات این دستور است. مقاله حاضر براساس سه رأس مطالب به بررسی و نقد کتاب دستور زبان فارسی براساس نظریه گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی می‌پردازد. ابتدا مروری مختصر بر فصل‌های کتاب ارائه می‌شود. سپس به تحلیل و ارزیابی اثر پرداخته و نقاط ضعف و قوت کتاب از زوایای مختلف بررسی می‌شود. در این بخش از نظر اصطلاح‌شناسی و بیان مفاهیم نکاتی مطرح می‌شود. از آنجاکه دستور وابستگی جزء دستورهای زایشی نیست، مقایسه‌ای بین دستور وابستگی و ساخت سازه‌ای انجام شده است تا درک محتوا برای خواننده‌ای آسان شود که پیش‌زمینه دستور زایشی دارد و از تشویش ذهن وی درمورد برخی مفاهیم پایه‌ای بکاهد. در انتها، درمورد چگونگی توسعه دستور وابستگی در این کتاب نکات و پیشنهادهایی ارائه می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** دستور صورت‌گرا، دستور وابستگی، زبان فارسی، نظریه خودگردان، امید طیب‌زاده.

\* استادیار زبان‌شناسی رایانشی، عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران،  
M.Ghayoomi@ihcs.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۲



## ۱. مقدمه

موضوع «دستور» به مفهوم دستورالعمل منطبق بر قاعده از پیش از میلاد مسیح مورد توجه یونان باستان بوده است و سانسکریت در عصر آهن در هندوستان اولین زبانی است که دستور آن به‌طور ساختارمند توصیف شده است. دیدگاه سنتی تدوین دستور زبان بیش‌تر بر قواعد تجویزی استوار بوده است که این دیدگاه موردنقد زبان‌شناسی نوین قرار گرفته است؛ چراکه زبان‌شناسی نوین بر توصیف مشاهدات زبانی و تبیین آن استوار است. همین امر سبب خلق دستورهای صورت‌گرای مختلف شده است، به‌صورتی که هرکدام از این دستورها تلاش کرده است که زبان را به بهترین وجه ممکن توصیف کند و کاستی‌های سایر دستورهای صورت‌گرا را پوشش دهد. جنبه‌های کاربردی «پردازش زبان طبیعی» (natural language processing) موجب شده است بر تنوع معرفی دستورهای صورت‌گرا افزوده شود.

تدوین دستور زبان یکی از دغدغه‌های جوامع غربی بوده است. کتاب جونز (Jones 1771) با عنوان *شکرستان نحوی زبان فارسی* از اولین منابعی است که به توصیف دستور زبان فارسی پرداخته است. اگرچه میرزا حبیب اصفهانی، در جایگاه اولین ایرانی، کتابی با عنوان *دستور سخن به‌رشته* تحریر درآورده است (هدایتی ۱۳۹۰)، محتوای کتاب درمورد نحوه سخن‌گفتن است و با توصیف دستور زبان فارسی بی‌ارتباط است. می‌توان کتاب چهارجلدی میرزا عبدالعظیم‌خان قریب، با عنوان *دستور زبان فارسی*، را اولین کار جدی نگارش دستور زبان فارسی با هدف آموزش نام برد (صادقی و دیگران ۱۳۹۲).

ظهور زبان‌شناسی نوین سبب شده است که توصیف دستور زبان براساس یک چهارچوب نظری مشخص تحقق پذیرد. در این مقاله به معرفی و توصیف کتاب *دستور زبان فارسی براساس نظریه گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی* می‌پردازیم.

ساختار این مقاله به این صورت است که در بخش دوم اثر معرفی و توصیف می‌شود. در بخش سوم، خلاصه‌ای از پیشینه مطالعاتی نقدهای موجود بر این کتاب بیان می‌شود. در بخش چهارم، به تحلیل و ارزیابی اثر از منظر محتوای اثر و شیوه بیان مفاهیم پرداخته خواهد شد. در بخش پنجم، پیش‌نهادهایی برای توسعه اثر و افزایش غنای علمی آن ارائه می‌شود و در بخش آخر، بخش ششم، جمع‌بندی از نقد اثر انجام می‌پذیرد.

## ۲. معرفی و توصیف اثر

کتاب دستور زبان فارسی براساس نظریه گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی توسط امید طبیب‌زاده به‌رشته تحریر درآمده و در سال ۱۳۹۱ نشر «مرکز» آن را در قطع وزیری منتشر کرده است. این کتاب ۴۸۲ صفحه دارد.

این اثر جایزه شایسته تقدیر در بیست‌ودومین دوره کتاب فصل در سال ۱۳۹۱ و در سی‌ویکمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۲ را به‌دست آورده است. هم‌چنین اثر برگزیده دوم در بخش زبان و ادبیات هفتمین جشنواره بین‌المللی فارابی در سال ۱۳۹۱ بوده است.

ساختار کلی این کتاب به این صورت است که پس از عنوان، مشخصات کتاب، و پیشکش فهرست مطالب در هشت صفحه آمده است. در قسمت فهرست مطالب عناوین، فصول، و بخش‌ها ذکر شده است. سپس جدول اصطلاحات انگلیسی، اختصارات فارسی، و علائم قراردادی که در کتاب مورداستفاده قرار گرفته است فهرست شده است. پس‌ازاین جدول، مقدمه، و پیش‌گفتار در هفت صفحه آمده و توضیحات مقدماتی مؤلف درمورد دلایل نگارش این کتاب و وجه‌تمایز این کتاب از سایر کتاب‌های نگارش‌شده در حوزه دستور زبان فارسی ذکر شده است.

محتوای این کتاب در نوزده فصل به‌هم‌راه یک واژه‌نامه توصیفی، فهرست منابع، و نمایه مطالب تألیف شده و با اندازه قلم مناسب و رعایت قواعد نگارشی و ویرایشی ساختار یافته است. ساختار هجده فصل این کتاب به این صورت است که درابتدا محتوای نظری و اهداف مربوط به آن فصل ارائه می‌شود. سپس در چهارچوب هدف آن فصل مطالب خردتر به‌هم‌راه مثال توضیح داده می‌شود. پس از طرح مباحث موردنظر، تعدادی پرسش براساس مطالب مطرح‌شده در آن فصل به‌صورت تمرین به خواننده ارائه شده و پس از پرسش‌ها، پاسخ پرسش‌ها به‌طور مبسوط توضیح داده شده است. در انتهای هر فصل، تعدادی از منابع فارسی و لاتین به‌عنوان منابع پیش‌نهادی برای مطالعه بیشتر ذکر شده است که برای درک مطالب آن فصل مفید است.

در فصل اول و دوم کتاب، مباحث نظری درمورد دستور وابستگی بیان شده است. در این دو فصل به‌طور مبسوط دو موضوع «هسته» و «وابسته»، که اساس دستور وابستگی است، توضیح داده شده است. پس از معرفی هسته، وابسته‌ها به دو دسته «متمم» (complement) و «افزوده» (adjunct) تقسیم شده است که هر یک به دو نوع «اجباری» و

«اختیاری» تقسیم شده است. علاوه‌بر توضیح این مفاهیم پایه، موضوع «گروه‌های خودگردان» از ویژگی‌های دستور وابستگی مطرح شده است. به این صورت که یک هسته نقش اصلی را بازی می‌کند و واژه یا واژه‌های دیگر وابسته هستند. هرکدام از واژه‌های وابسته نیز خود می‌تواند نقش هسته را برعهده بگیرد و واژه یا واژه‌های دیگر وابسته این هسته باشد. مؤلف این ویژگی دستور وابستگی را، که مبتنی بر وابستگی و ساختار ظرفیتی واژه‌هاست، به‌عنوان نظریه گروه‌های خودگردان یاد می‌کند. در این دو فصل تلاش شده است تا با تکرار مفاهیم موردنظر و ذکر مثال‌های متعدد و متنوع درک مطالب برای خواننده آسان‌تر شود.

در فصل سوم، به‌صورت فشرده، واضح، و روشن به ساختار زبان فارسی و معرفی انواع وابسته‌های مقوله‌های «فعل»، «اسم»، «صفت»، «قید»، و «حرف‌اضافه» پرداخته شده است. این فصل به خواننده کمک می‌کند که درکی کلی از دستور زبان فارسی پیدا کند. مقوله «فعل»، که نقش بسیار زیادی در دستور وابستگی ایفا می‌کند، به‌طور مبسوط در فصول چهارم تا هشتم کتاب موردتوجه قرار گرفته است. گفتنی است کتاب دیگری از این مؤلف با عنوان *ظرفیت فعل و ساخت‌های بنیادین جمله در فارسی امروز؛ پژوهشی براساس نظریه دستور وابستگی* (طیب‌زاده ۱۳۸۵) به‌چاپ رسیده است که عصاره‌ای مهم مطالب این کتاب در چند فصل کتاب *دستور زبان فارسی* موردبحث قرار گرفته است. این ویژگی سبب می‌شود که خواننده مطالب فصل را بدون نیاز به مطالعه منابع دیگر بفهمد و پی‌گیری کند. در فصل چهارم، موضوع ظرفیت مطرح شده است و به‌طور مبسوط مقوله فعل و وابسته‌های آن توضیح داده شده است. براساس شواهد زبانی ذکرشده، ظرفیت فعل بین یک تا چهار متغیر است؛ مانند فعل «مردن» که تک‌ظرفیتی است، فعل «خوردن» دو‌ظرفیتی، فعل «دادن» سه‌ظرفیتی، و فعل «شرط‌بستن» چهارظرفیتی. ناگفته نماند که تمام افعال فارسی بسیط نیست و تعداد زیادی از افعال فارسی مرکب است. موضوع فعل مرکب فارسی یکی از مباحث چالش‌برانگیز میان زبان‌شناسان صاحب‌نظر است. در یک بخش از این فصل، چکیده‌ای از نظریات این زبان‌شناسان بیان شده است. سپس با معرفی تعدادی معیار توالی یک عنصر غیرفعلی و یک عنصر فعلی به‌عنوان فعل مرکب محک زده شده است. استفاده از معیارهای معرفی‌شده موجب شده است که، ضمن پرداختن به موضوع موردبحث، نحوه استدلال‌های نحوی به‌منزله ابزاری برای تحلیل به‌خواننده آموزش داده شود و وی را برای بررسی مصادیق دیگر زبانی مسلح کند که در کتاب

نیامده است تا با قدرت استدلال خود بتواند به حل مسئله بحث‌نشده بپردازد. مطالب این فصل در تعیین روابط وابستگی در جمله اهمیت دارد که در فصل پنجم مورد بحث قرار گرفته است.

در فصل پنجم، جملات به دو دسته جملات اصلی و مشتق تقسیم شده است. دلیل طرح این موضوع تغییر ظرفیت فعل در جملات مشتق، مانند ساخت‌های مجهول و سببی، است. این موضوع در فصل ششم و هفتم کتاب با ارائه ساخت‌های بنیادین اصلی و ساخت‌های بنیادین مشتق مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در مجموع، ۲۴ ساخت بنیادین اصلی در زبان فارسی براساس ظرفیت فعل توسط مؤلف پیش‌نهاد شده است که، باتوجه به ظرفیت‌های متفاوت فعل، تعداد ساخت‌های بنیادین متفاوت است: افعال تک‌ظرفیتی سه ساخت، افعال دو‌ظرفیتی هشت ساخت، افعال سه‌ظرفیتی ده ساخت، و افعال چهارظرفیتی سه ساخت بنیادین اصلی داشته است.

فصل نهم به‌طور خاص به فعل «شدن» پرداخته است. «شدن» فعل پرکاربرد و چندوجهی در فارسی است که ممکن است به‌دلیل ناآشنایی با ویژگی‌های این فعل موجب گمراهی تحلیل‌گر زبان شود. این فعل در فارسی می‌تواند در جایگاه فعل بسیط در متون ادبی یا کهن [علی به‌خانه شد]، فعل ربطی [علی خوش حال شد]، عنصر فعلی در فعل مرکب [او پیدایش شد]، فعل کمکی در ساخت مجهول [غذا خورده شد]، یا فعل وجهی [می‌شود از این جا رفت؟] ظاهر شود.

در فصل نهم، وابسته‌های اسم، اعم از متمم یا افزوده و نوع آن‌ها، معرفی و ساختار گروه اسمی توصیف شده است. این وابسته‌ها براساس یک ترتیب خاص قبل و بعد از اسم ظاهر می‌شود، به‌گونه‌ای که تخطی از آن به بدساخت شدن جمله می‌انجامد. در ساخت گروه اسمی، وابسته‌های مشخص اسم در پنج موقعیت پیش از اسم و در شش موقعیت پس از اسم ظاهر می‌شود. در دسته‌بندی‌ها، نوع عناصری مشخص شده است که در هر یک از جایگاه‌ها می‌تواند ظاهر شود؛ مانند [یکی از آن چند تا استاد فیزیک عزیز ما جناب آقای محمدی از بجنورد که دیروز از تهران بازگشتند] که در این عبارت واژه «استاد» هسته اسمی عبارت است. موضوع «اسم‌شدگی» و «جان‌شینی مصدر به‌جای اسم» نیز از دیگر موضوعات مطرح‌شده در این فصل است. در فصل دهم، روابط وابستگی بین هسته اسمی و سایر وابسته‌ها براساس ساختار معرفی‌شده گروه اسمی در فصل نهم مشخص شده است.

در فصل یازدهم وابسته‌های صفت، اعم از اجباری یا اختیاری، در ساختاری که هسته صفت است معرفی شده است. ظرفیت صفت بین صفر تا دو متغیر است؛ مانند «ثروت‌مند»

صفر ظرفیتی، «مملو» تک ظرفیتی، و «بازدارنده» دو ظرفیتی است. در فصل دوازدهم، روابط وابستگی در ساخت‌های با هسته صفتی مشخص شده است. در فصل سیزدهم و چهاردهم ساختار عبارت‌های با هسته حرف اضافه و قید و روابط وابستگی آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. حرف اضافه، چه ساده و چه مرکب، مانند «با/ به سمت»، تک ظرفیتی است و الزاماً تنها مقوله دستوری است که نمی‌تواند بدون وابسته خود در جمله به کار رود. قید نیز مقوله‌ای است که با داشتن ظرفیت صفر هیچ‌گونه متممی را نمی‌پذیرد و وابسته آن از نوع افزوده است؛ مانند «خیلی» که افزوده هسته قیدی «آهسته‌آهسته» در مثال [او خیلی آهسته‌آهسته راه می‌رود] است.

فصل پانزدهم ساختار جملات مرکب و بندهای پایه و پیرو را توصیف کرده است. عنصر اصلی که در ساخت جمله پیرو به کار می‌رود، واژه‌هایی با مقوله دستوری قید، مانند «اگر»، «چون»، و غیره، است که سبب وابستگی جملات پیرو به جملات پایه می‌شود.

فصل شانزدهم به توصیف ساخت هم‌پایگی در فارسی پرداخته است. حروف ربطی که در ساخت هم‌پایگی به کار رفته است به دو دسته ساده و مرکب تقسیم شده است که حروف ربط مرکب نیز پیوسته، مانند «ولیکن»، یا گسسته، مانند «هم... هم...»، است. ویژگی ساخت هم‌پایگی این است که در تمام دیگر ساختارها مورداستفاده قرار می‌گیرد. در ساخت هم‌پایگی، حرف ربط هسته عبارت است و عناصر دیگر، چه در سطح جمله و چه در سطح عبارت، متمم آن حرف ربط است.

فصل هفدهم ساختار جملاتی را توصیف کرده است که فعل ندارد. از جمله این جملات شبه‌جمله‌ها، مانند «به‌به!»، جملات ندایی، مانند «آی پسر»، اصوات، مانند «آخ!»، یا جملات اسمی، مانند «روز خوش!»، است.

فصل هجدهم به‌اجمال تمام مفاهیم معرفی شده در مورد روابط وابستگی، اعم از متممی و افزودگی، را با توجه به یکی از ویژگی‌های زبانی زبان فارسی توضیح داده است که همانا آزادبودن نسبی ترتیب واژه‌ها در عبارات است.

فصل نوزدهم کتاب، در ۶۵ صفحه، به تحلیل دویست جمله از نویسندگان سرشناس فارسی‌زبان و استخراج ساخت‌های بنیادین آن‌ها پرداخته است. گفتنی است این پیکره کوچک پیش‌تر در کتاب دیگر این مؤلف، طبیب‌زاده (۱۳۸۵)، مورداستفاده قرار گرفته است. براساس نتایج حاصل از تحلیل این جملات، سیزده ساخت بنیادین از مجموع ۲۴ ساخت بنیادین پیش‌نهاد شده مورداستفاده نویسندگان سرشناس فارسی‌زبان قرار گرفته است.



در قسمت واژه‌نمای توصیفی ۵۷ صفحه‌ای، تعداد ۱۴۲ مدخل از اصطلاحات فارسی، که در این کتاب مورد استفاده قرار گرفته است، جمع‌آوری و توضیح داده شده است. اکثر اصطلاحات فارسی ذکر شده با معادل انگلیسی آن اصطلاحات و ذکر مثال برای اکثر مدخل‌ها همراه است. کتاب‌نامه براساس استاندارد APA در شش صفحه تنظیم شده است که برای تألیف این کتاب از ۱۲۹ منبع فارسی و ۳۵ منبع لاتین انگلیسی و آلمانی استفاده شده است. در نمایه هفت صفحه‌ای واژه‌های کلیدی و اصطلاحات، نام نویسندگان، و عنوان کتاب‌های ارجاع داده شده در کتاب به همراه شماره صفحه فهرست شده است.

### ۳. پیشینه مطالعاتی

از زمان انتشار کتاب مورد نظر در سال ۱۳۹۱ تاکنون، برای این کتاب دو نقد توسط راسخ‌مهند (۱۳۹۱) و مهدوی و حسینی (۱۳۹۵) نگارش شده است. در اولین نقد، راسخ‌مهند (۱۳۹۱) ابتدا محتوای فصل‌های کتاب را معرفی کرده است. وی ضمن بیان نقاط قوت این کتاب به بحث در مورد کتاب پرداخته است. وی سه موضوع را پیش‌نهاد کرده است: الف) ضمن امتیاز بر شمردن وجود تمرین در انتهای هر فصل، وجود پاسخ‌تمرین‌ها پس از تمرین‌ها نقطه ضعف بیان شده است. پیش‌نهاد شده است که پاسخ‌ها در انتهای کتاب یا در یک وب‌گاه ارائه شود؛ ب) علاوه بر استفاده از پیکره نوشتاری از پیکره گفتاری نیز استفاده شود و تحلیل نحوی وابستگی این گونه زبانی ارائه شود؛ پ) از معادل‌های فارسی رایج اصطلاحات به جای بعضی اصطلاحات نامتداول استفاده شود و فرهنگ لغت به انتهای کتاب نیز افزوده شود. وی در انتها دو نکته مطرح کرده است. نکته اول مربوط به رویکرد مؤلف بر توصیف زبان و عدم توجه به تبیین صوری است. نکته دوم مربوط به عدم پای‌بندی مؤلف به صورت‌گرایی صرف در تحلیل است؛ به این صورت که گاهی نقش را به تحلیل صورت‌گرایانه اضافه کرده است.

مهدوی و حسینی (۱۳۹۵) پس از معرفی اجمالی کتاب و فهرست ویژگی‌های این کتاب، در نقد خود، به اشکالات اعم از محتوایی و نگارشی - ویرایشی متمرکز شده‌اند. آنان ابهام‌ها و کاستی‌های حاصل از این اشکالات را، که به صورت تجربی و مواجهه درحین تدریس به دست آمده است، معرفی کرده و تلاش کرده‌اند تا نتیجه تجربیات خود را به صورت دسته‌بندی شده با ذکر شواهد و ارجاع به شماره صفحه کتاب گزارش کنند.

## ۴. تحلیل و ارزیابی اثر

### ۱.۴ بررسی محتوایی

با نگاهی به مطالعات انجام‌شده برای توصیف دستور زبان فارسی از جمله باطنی (۱۳۴۸)، غلامعلی‌زاده (۱۳۷۴)، ماهوتیان (۱۳۷۸)، مشکوة‌الدینی (۱۳۷۹)، و لازار (۱۳۸۴) و مقایسه آن‌ها با کتاب دستور زبان فارسی براساس نظریه گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی می‌توان دریافت که مؤلف کتاب یادشده در یک چهارچوب نظری مشخص به توصیف هم‌زمانی دستور زبان فارسی معاصر براساس شواهد زبانی پرداخته است. ترتیب فصول کتاب به صورت مناسبی سازمان یافته است که خواننده بدون گمراهی و تشویش ذهن می‌تواند مطالب را درک و آن را دنبال کند. تفاوت دیگری که کتاب موردبحث با سایر کتاب‌های توصیف دستور زبان فارسی دارد این است که به جنبه‌هایی از پیچیدگی‌ها و نکات بسیار ریزی از دستور زبان فارسی پرداخته است که در سایر کتاب‌ها موردتوجه و تحلیل قرار نگرفته است؛ مانند بررسی ویژگی فعل استثنای «یعنی» در مثال یک که در صفحه ۱۱۴ کتاب (طیب‌زاده ۱۳۹۱) بحث شده است یا سه ساخت بنیادین افعال چهار ظرفیت در فارسی، مانند مثال دو که در صفحه ۱۵۰ کتاب معرفی شده است.

(۱) اسد یعنی شیر

(۲) [من فاعل] [سر یک میلیون متمم حرف اضافه] [با تو متمم حرف اضافه] [شرط می‌بندم] [که او

می‌آید متمم بندی].

پرداختن به مسائل خرد زبانی که گاه در نتیجه موردانتظار پژوهش‌گران فعال در حوزه زبان‌شناسی پیکره‌ای و رایانشی تأثیرگذار است، از جمله ویژگی‌های این کتاب است. نویسندۀ این سطور که خود برای تهیه «دادگان درختی» (treebank) زبان فارسی (Ghayoomi 2012, 2014) در چهارچوب دستور ساخت سازه‌ای هسته‌بنیان (Head-Driven *Phrase Structure Grammar*) (Pollard and Sag 1994) اقدام کرده است درباره چنین موارد نادری که به‌هنگام تحلیل داده زبانی چالش‌برانگیز بود با مؤلف کتاب به بحث و تبادل نظر پرداخته است و نتیجه مباحث را در تجزیه جملات فارسی به‌کار برده است. ذکر این نکات ریز که ممکن است در پژوهش‌های نظری موردتوجه قرار نگرفته باشد، در پژوهش‌های کاربردی بسیار راه‌گشا است. تفاوت دیگر این کتاب با سایر کتاب‌های دستور زبان فارسی استفاده از روش‌های استدلال نحوی برای ارزیابی نظرهای خود و سایر صاحب‌نظران و

پژوهش‌گران است که این استدلال‌های داده‌بنیان موجب می‌شود خود خواننده نیز به ارزیابی استدلال‌ها و تحلیل نتیجه‌نهایی بپردازد و خود درباره آن مسئله قضاوت کند. بنابراین، این کتاب می‌تواند علاوه بر برآوردن نیاز پژوهش‌گران در حوزه زبان‌شناسی کاربردی برای دانشجویان زبان‌شناسی مفید باشد تا ضمن آشنایی با شیوه استدلال، با جنبه‌های کاربردی انبوهی از اطلاعات نظری مطرح‌شده در واحدهای دانشگاهی آشنا شوند. ناگفته نماند که دانستن توصیف ساختار زبان فارسی، علاوه بر کاربرد در حوزه زبان‌شناسی رایانشی، در حوزه فرهنگ‌نگاری و آموزش زبان به غیرفارسی‌زبانان نیز کاربرد دارد.

رعایت یک‌سان‌نویسی معادل‌های فارسی اصطلاحات به انگلیسی موجب درک ساده‌تر مطالب می‌شود؛ برای مثال، اگرچه معادل‌های «آویزه» و «افزوده» برای «adjunct» معرفی شده است، در تمام کتاب فقط از معادل «افزوده» استفاده شده است. ناگفته نماند برای یک‌دستی بهتر بود که معادل انگلیسی برخی اصطلاحات فارسی در قسمت واژه‌نامه توصیفی نیز ذکر می‌شد، برای مثال نگارش معادل انگلیسی «cardinal number» برای اعداد اصلی و «ordinal number» برای اعداد ترتیبی. برخی از معادل‌های فارسی به‌کاررفته در متن کتاب چندان مرسوم نیست. برای مثال، «آرایش لغت مقید یا غیرآزاد» در صفحه ۴۸ (طیب‌زاده ۱۳۹۱) که برای «fixed word order» معادل‌یابی شده است، درحالی‌که «ترتیب ثابت کلمات» در مقایسه با «ترتیب آزاد کلمات» (free word order) متداول‌تر است. همچنین، شاید بهتر باشد اصطلاح «مقوله دستوری» به جای «صورت دستوری» در صفحه ۲۹ به‌کار رود. در متن کتاب، تکرار اصطلاح انگلیسی برای معادل فارسی مشاهده شده است؛ مانند «واحد واژگانی» که در صفحات ۱۸ و ۲۸ برای صورت جمع و مفرد این اصطلاح «lexical unit» پانویس شده است. گاهی اصطلاح انگلیسی با تأخیر برای معادل فارسی ذکر شده است؛ مانند «دستور وابستگی» که در صفحات ۱۰ و ۲۶ استفاده شده است، ولی اصطلاح انگلیسی «dependency grammar» در صفحه ۲۶ پانویس شده است. شاید بهتر باشد به‌جای استفاده از اصطلاحات در دستور سنتی مانند «بدل» استفاده از اصطلاحات امروزی زبان‌شناسی که «بند موصولی کوتاه‌شده» (reduced relative clause) است ترجیح داده شود. استفاده از مقوله دستوری «اسم - صفت» در صفحه ۵۹ برای واژه‌هایی مانند «عربی» در مثال‌های [کشورهای عربی] و [زبان عربی] چندان دقیق نیست. این‌که یک واژه در بافت هم‌زمان «اسم» باشد و «صفت» دقیق نیست. مقوله دستوری این‌گونه واژه‌ها در بافت قابل تشخیص است و می‌توان رفع ابهام کرد و مقوله دستوری دقیق واژه را مشخص کرد. بنابراین، واژه «عربی» در مثال [کشورهای عربی] «صفت» است و در

مثال [زبان عربی] «اسم». گاهی توضیحات مفصل درمورد یک پدیدهٔ زبانی ارائه شده است، ولی اصطلاح آن به‌کار نرفته است؛ مانند سورهایی چون «بخشی از» و «بعضی از» در صفحهٔ ۲۱۷ که به عناصر «ساختار جزئی» (partitive construction) معروف است. درمورد بعضی اصطلاحاتی که در انتهای کتاب تعریف شده است، تعاریف ارائه‌شده به بازنگری نیاز دارد؛ مانند تعریف «فعل پیشوندی» در صفحهٔ ۴۴۵ که یک «فعل بسیط» معرفی شده است.

در تدوین این کتاب مؤلف کوشیده تا طیف وسیعی از نظریات پراکندهٔ صاحب‌نظران، پژوهش‌گران، و نویسندگان معتبر را درمورد ساخت زبان فارسی به‌کار گیرد و تجمیع انبوه نظرها، گاه موافق گاه مخالف دیدگاه مؤلف، را براساس چهارچوب نظری دستور وابستگی برای توصیف ساختاری زبان فارسی به‌کار بندد. این نوع شیوهٔ استنتاجی بیان‌گر تسلط مؤلف بر موضوع موردبحث و هدایت نظرها برای رسیدن به هدف موردنظر است که موجب شده است مطالب کتاب از انسجامی درونی برخوردار باشد. برای این منظور، مؤلف با رعایت قواعد حرفه‌ای در نگارش، بدون هرگونه سوگیری، در محل مناسب با ارائهٔ نظریات سایر نویسندگان به منابع استفاده‌شده ارجاع داده است.

خلاقیت به‌کاررفته در این کتاب ارائهٔ دستورالعمل برای چگونگی خواندن مطالب کتاب برای افراد مبتدی و پیش‌رفته است که در مقدمهٔ فصل اول کتاب آمده است. و هم‌چنین محک‌زدن اعتبار مباحث مطرح‌شده در یک پیکرهٔ زبانی کوچک حاوی دوست جمله از نویسندگان سرشناس فارسی‌زبان است. این ویژگی موجب می‌شود به مثال‌های انتزاعی به‌هنگام توضیح مطالب در بخش‌های مربوطه بسنده نشود و علاوه بر کاربردی‌سازی دانش به فهم مطالب نظری مطرح‌شده کمک شود.

درکنار تمام نقاط قوتی که این کتاب برای فهم سادهٔ توصیف دستور زبان فارسی دارد، یک نقطهٔ ضعف مشاهده شده است که سادگی مفاهیم را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و آن تقسیم‌بندی نکردن صوری مطالب با استفاده از شماره‌گذاری است تا خواننده بتواند بین بخش و زیربخش تفکیک قائل شود. اگرچه در کتاب از شیوهٔ تغییر اندازهٔ قلم استفاده شده است، این تمایز در متن کتاب گویا نیست. اگر بین بخش قبلی و بخش بعدی به‌واسطهٔ وجود زیربخش فاصلهٔ زیادی ایجاد شود، این اشکال به تشویش ذهن خواننده می‌انجامد.

## ۲.۴ بررسی شیوهٔ بیان مفاهیم

اکنون به بررسی پنج موضوع مختلف درمورد مطالب این کتاب و شیوهٔ بیان مفاهیم پرداخته می‌شود.

#### ۱.۲.۴ اصلاح‌شناسی در مورد «نظریه وابستگی» یا «دستور وابستگی»

در مقدمه فصل اول و دوم کتاب ( طیب‌زاده ۱۳۹۱: ۴، ۱۰، ۲۶) از اصلاح «نظریه وابستگی» یا «نظریه دستور وابستگی» با معادل انگلیسی «dependency grammar» استفاده شده است و در صفحه ۲۸ اصطلاح «دستور وابستگی» به کار رفته است. استفاده از عبارت «نظریه وابستگی» چندان دقیق نیست؛ چراکه «دستور وابستگی» یکی از دستورهای صورت‌گرا شناخته می‌شود و نه یک «نظریه زبانی» (linguistic theory). ملچوک (Mel' uk 1988: 12) بیان می‌کند که اصطلاح «نظریه وابستگی» توسط هاین (Hays 1960, 1964) ابداع شده است، ولی بعدها اصطلاح «دستور وابستگی» توسط رابینسون (Robinson 1970) با کاربرد کنونی آن به کار برده شد.

اساساً دستورهای صورت‌گرا به دو دسته کلی تقسیم می‌شود (قیومی ۱۳۹۵): الف) دستورهای مبتنی بر سازه (جانشناختی / Typological)؛ ب) دستورهای مبتنی بر وابستگی (ساختار دستوری براساس معنا / Tecto-Grammatical). تمامی دستورهای صورت‌گرای سازه‌ای مانند دستور مقوله‌ای (Ajdukiewicz 1935؛ Categorical Grammar)، دستور ساخت سازه‌ای (Phrase Structure Grammar) یا دستور بافت آزاد (Context Free Grammar؛ Chomsky 1957)، دستور نقش‌نمای واژگانی (Kaplan and Lexical Functional Grammar؛ Bresnan 1982)، دستور درخت‌الحاقی (Tree Adjoining Grammar؛ Joshi 1985)، دستور ساخت سازه‌ای تعمیم‌یافته (Generalized Phrase Structure Grammar؛ Gazdar et al. 1985)، دستور ساخت سازه‌ای هسته‌بنیان (Pollard and Sag 1994) جزء مجموعه دستور زایشی است. آن‌چه با اصطلاح دستور زایشی - گشتاری شناخته می‌شود یکی از نسخه‌های دستور ساخت سازه‌ای است که در مجموعه دستور زایشی نیز قرار می‌گیرد. در دستور وابستگی نیز رویکردهای متنوعی برای نمایش شیوه وابستگی بین عناصر وجود دارد (Mel' uk 1988). داشتن ساختار افکنشی (projective) یا غیرافکنشی (non-projective) در نمایش وابستگی بین عناصر به دو نوع شیوه تحلیل زبانی منجر می‌شود. دستور پیوندی (Link Grammar؛ Sleator and Temperley 1993) نیز شیوه دیگری از تحلیل جمله در چهارچوب دستور وابستگی است که در آن نوع رابطه بین عناصر از قبل پیش‌بینی شده است. تمامی این دستورها در چهارچوب نحو صورت‌گرا به توصیف ساختار زبان می‌پردازد.

براساس نظرهای ارائه‌شده می‌توان دریافت که استفاده از اصطلاح «نظریه» موردپذیرش قرار نگرفته و استفاده از اصطلاح «دستور وابستگی» به‌مثابه شیوه‌ای برای «صوری‌سازی

نحوی» ترجیح داده شده است. بنابراین، بهتر است در این کتاب نیز از اصطلاح «دستور وابستگی» استفاده شود.

#### ۲.۲.۴ مقایسه دستور سازه‌ای و وابستگی

در چندین صفحه کتاب، به‌هنگام توضیح و بیان محتوای مربوط به دستور وابستگی، به ساختار سلسله‌مراتبی و دستور زایشی اشاره شده است و به‌نوعی برای توضیح آن موضوع از دستور ساخت سازه‌ای کمک گرفته شده است که ممکن است به خلط مبحث منجر شود (برای نمونه، طیب‌زاده ۱۳۹۱: ۱۷، ۷۸، ۷۹، ۱۴۶، ۲۱۷). بهتر است مؤلف کتاب ابتدا به مقایسه دو دستور شناخته‌شده ساخت سازه‌ای و وابستگی بپردازد و ویژگی‌های هر یک از این روش‌های صوری‌سازی را برای خواننده مشخص کند. ملچوک (Mel' uk 1988: 13-17) و مازیوتا و کاهان (Mazziotta and Kahane 2017) به ویژگی‌هایی از دستور وابستگی در مقایسه با دستور سازه‌ای اشاره کرده‌اند که در ادامه توضیح داده می‌شود.

#### ۱.۲.۲.۴ سازواری و روابط

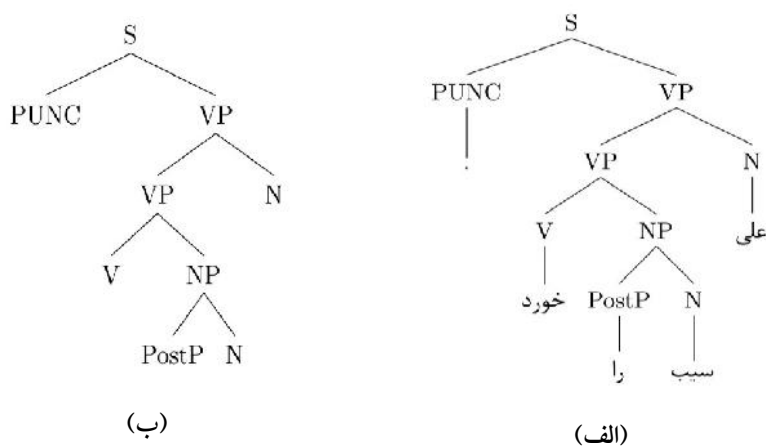
در دستور ساخت سازه‌ای، از سازه و نظام سازه‌ای (constituency) نام برده می‌شود که منطق اصلی این رویکرد براساس تعلق داشتن به یک مجموعه است، مانند تعلق داشتن به یک عبارت یا تعلق داشتن به یک مقوله. در رویکرد تحلیلی ساخت سازه‌ای، معمولاً جمله به دو سازه اصلی تقسیم شده و هر یک از سازه‌ها به سازه‌های کوچک‌تر تقسیم می‌شود؛ درحالی‌که رویکرد تحلیلی دستور وابستگی براساس چگونگی وابستگی واژه‌ها با یکدیگر براساس ظرفیت واژه است که در این رویکرد روابط (relation) وابستگی واژه‌هایی مشخص می‌شود که در محور هم‌نشینی با یکدیگر جمله را می‌سازد.

#### ۲.۲.۲.۴ مقوله‌بندی

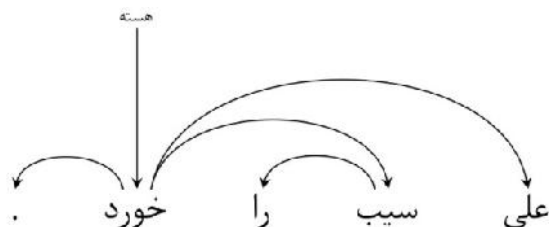
مقوله‌بندی (categorization) یکی از بخش‌های اصلی بازنمایی نحوی در ساخت سازه‌ای است که به‌منزله برچسب برای گره‌های درخت سازه‌ای به‌کار می‌رود. این برچسب‌ها با مقوله دستوری واژه هسته در درخت‌های سازه‌ای هم‌راستا است، درحالی‌که اطلاعات مربوط به مقوله دستوری واژه در درخت تحلیل وابستگی موجود نیست. در دستور وابستگی، واژه هسته به‌مثابه ریشه درخت تحلیل مشخص شده و دو اطلاعات درمورد وابستگی عنصر وابسته به هسته و نوع این رابطه وابستگی بین هسته و عنصر وابسته جای‌گزین شده است.

#### ۳.۲.۲.۴ گره پایانی و غیر پایانی

درخت سازه‌ای متشکل از گره‌های پایانی (terminal node) و غیر پایانی (non-terminal node) است. از میان این دو، اکثر گره‌ها در درخت سازه‌ای از نوع گره‌های غیر پایانی است و اگر عبارت یا جمله‌ای تحلیل شود، گره‌های پایانی نیز به درخت سازه‌ای اضافه خواهد شد. در درخت سازه‌ای شکل (۱- الف)، گره‌های VP، NP، V، PostP، N، S و گره‌های غیر پایانی و گره‌های «علی»، «سیب»، «را»، «خورد»، و «.» گره‌های پایانی است. ساختار انتزاعی از تحلیل عبارت یا جمله همانند شکل (۱- ب) ارائه می‌شود. همان‌گونه که در درخت وابستگی شکل (۲) مشخص است، درخت وابستگی فقط از گره‌های پایانی که همان واژه‌های یک جمله است تشکیل شده است. به عبارتی دیگر، در گره پایانی تحلیل ارائه شده توسط دستور وابستگی فقط از «صورت‌واژه» استفاده می‌شود و «عبارت» یافت نمی‌شود.



شکل ۱. کاربرد گره‌های پایانی و غیر پایانی در تحلیل سازه‌ای



شکل ۲. کاربرد گره‌های پایانی در تحلیل وابستگی

#### ۴.۲.۲.۴ ترتیب گره‌ها

در درخت سازه‌ای، گره‌ها باید براساس زنجیره صورت‌واژه‌ها با هم ترکیب شود. گاهی این اولویت‌بندی در ترکیب عناصر ممکن است دچار تغییر شود، درحالی‌که در درخت وابستگی این اولویت‌بندی در ترکیب عناصر وجود ندارد. اگر اولویت‌بندی در این دستور مطرح می‌شود، به ماهیت این دستور مربوط نیست، بلکه ممکن است از اولویت‌بندی به‌منزله ابزاری برای بیان مسائلی مانند روابط نحوی استفاده شود. به‌عنوان یک اصل، در مدل‌هایی که با معنی سروکار دارد، موضوع اولویت‌بندی در ترکیب عناصر زبانی برای انتقال اطلاعات معنایی و نحوی مجاز نیست. از آن‌جاکه اساس دستور وابستگی بر ظرفیت واژه که به‌نوعی بازنمایی ویژگی معنایی تلقی می‌شود بنیان نهاده شده است، این دستور معنای محور است و طبق این اصل اولویت‌بندی در ترکیب عناصر در این دستور وجود ندارد. بر همین اساس، اولویت‌بندی در ایجاد روابط وابستگی بین عنصر هسته و وابسته نیز منتفی است، درحالی‌که اولویت‌بندی در ترکیب گره‌ها در درخت سازه‌ای از اهمیت به‌سزایی برخوردار است که اعمال هرگونه تغییر در اولویت‌بندی ترکیب گره‌ها به تحلیل متفاوت و تغییر در معنا منجر می‌شود.

#### ۵.۲.۲.۴ برچسب‌گذاری نقش‌های دستوری

در درخت سازه‌ای معمولاً نوع رابطه نحوی‌ای که بین دو عنصر وجود دارد مشخص نمی‌شود، درحالی‌که در درخت وابستگی نوع رابطه نحوی بین دو عنصر مشخص است. برچسب‌گذاری معنادار یال‌ها در درخت وابستگی از جمله ویژگی مهم مدل‌هایی است که با معنی سروکار دارد.

#### ۶.۲.۲.۴ پیوند محور

واژه‌ها در محور هم‌نشینی با یک‌دیگر در ارتباط است که در تحلیل درختی ساخت نحوی بین عناصر پیوند داده می‌شود. در تحلیل سازه‌ای، درخت یا درخت‌های سازه‌ای از قبل تعریف‌شده‌ای وجود دارد که باید عناصر جمله در آن درخت‌ها جاسازی شود و براساس روابط از پیش تعریف‌شده عناصر به یک‌دیگر پیوند زده شود، درحالی‌که در تحلیل وابستگی، این روابط هم‌نشینی بین صورت‌واژه‌هاست که پیوند یال‌ها را مشخص می‌کند.

#### ۷.۲.۲.۴ دوشاخگی

سازه‌های بلافصل درخت سازه‌ای اولیه در دهه ۱۹۵۰ م دوشاخه‌ای بود که بعدها در دهه ۱۹۶۰ م بین یک تا سه گره تغییر کرد، درحالی‌که در درخت وابستگی، همیشه رابطه



بین دو واژه وجود دارد و به صورت یک سه تایی (triple) شامل نوع رابطه وابستگی، عنصر هسته، و عنصر وابسته بیان می شود. بر این اساس، درخت وابستگی از درخت سازه‌ای متقارن تر است.

#### ۸.۲.۲.۴ هسته

در مدل اولیه چامسکی (Chomsky 1957)، مفهوم «هسته» مغفول مانده است، در حالی که در مدل معرفی شده تینییر (Tesnière 1959) مفهوم هسته در رابطه وابستگی بین عناصر از همان ابتدا مطرح بوده است. از این رو، ساخت درخت وابستگی از سمت حاکم (governor)، که هسته نیز نامیده می شود، به سمت عنصر وابسته (subordinate) به صورت درون مرکز (endocentric) است.

#### ۹.۲.۲.۴ نگاشت گره - به - واژه

در درخت سازه‌ای از گره برای سازه‌ها و واژه‌ها استفاده می شود. بنابراین، خوانش بین گره و واژه یک به یک نیست، چراکه معمولاً تعداد گره‌ها از تعداد واژه‌های جمله بیش تر است؛ در حالی که در درخت وابستگی بین تعداد گره‌های موجود در درخت وابستگی و واژه‌های جمله نگاشت یک به یک وجود دارد و تعداد گره‌ها با تعداد واژه‌ها یکسان است. این ویژگی با خطی بودن دستور وابستگی مرتبط است. بنابراین مفاهیمی مانند ردّ (trace)، حذف (ellipses)، یا مقوله تهی (empty category)، که در دستور سازه‌ای بسیار بااهمیت است، در دستور وابستگی مورد توجه قرار نمی گیرد.

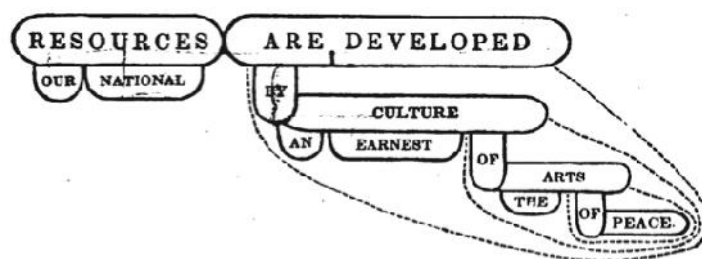
#### ۳.۲.۴ توسعه یافتگی چهارچوب نظری دستور وابستگی

از آن جاکه دستور وابستگی به منزله یک روش توصیف ساختاری نامتداول بین پژوهشگران و دانشجویان زبان شناسی در ایران مطرح است، بهتر است مؤلف کتاب پیشینه و تاریخچه‌ای از شکل گیری دستور وابستگی برای خواننده ارائه کند که در این جا به صورت کوتاه و فشرده به این موضوع پرداخته می شود. به جرئت می توان گفت که ایده اولیه معرفی شدن دستور ساخت سازه‌ای و دستور وابستگی از ابتدا به طور ناگهانی توسط چامسکی (Chomsky 1957) در آمریکا و تینییر (Tesnière 1959) در اروپا اتفاق نیفتاده است و آن‌ها از آرای دیگران برای شکل دهی مدل دستوری خود بهره برده‌اند (Sangati 2012: 5). دستور معرفی شده توسط چامسکی ریشه در آرای افرادی مانند وونت (Wundt 1904)، بلومفیلد (Bloomfield 1933)، ولز (Wells 1947)، و هریس (Haris 1951) دارد و مفاهیم و

روش‌های سوسور (de Saussure 1916) نیز در شکل‌دهی مدل معرفی شده توسط تنی‌یر بسیار مؤثر بوده است. گفتنی است ریشه دستور وابستگی مربوط به دستور پائینی در سانسکریت است (Kruijff 2002) و افرادی مانند کلارک (Clark 1847) و کرن (Kern 1883) نیز جزء افرادی بوده‌اند که نخستین بار از روابط وابستگی برای بازنمایی نحوی جملات استفاده کرده‌اند. در شکل ۳، نمونه‌ای از روش تحلیل وابستگی بین عناصر جمله که توسط کلارک برای مثال (۳) معرفی شده است نمایش داده شده است:

(۳)

Our national resources are developed by an earnest culture of the arts of peace.



شکل ۳. تحلیل وابستگی مثال (۳) معرفی شده توسط کلارک (Clark 1847)

اگرچه مفهوم وابستگی عناصر پیش‌تر معرفی شده بود، تنی‌یر (Tesnière 1953, 1959) این مفاهیم را در قالب یک نظریهٔ زبانی مطرح کرد. تنی‌یر با استفاده از دستور وابستگی در مطالعات رده‌شناختی ۳۶۶ ساختار وابستگی بنیادین مربوط به چندین زبان را معرفی کرد. بعدها چهارچوب معرفی شده توسط تنی‌یر را افرادی مانند لسرف (Lecerf 1960)، هایز (Hays 1960)، و ملچوک (Mel' uk 1988) توسعه دادند و ویژگی‌های بیش‌تری به آن اضافه کردند. بنابراین، چهارچوب نظری تنی‌یر (Tesnière 1953, 1959, 1980) مدل کاملی برای توصیف ساختار زبان نبوده و بهتر است به جای مقیدماندن به چهارچوب نظری اولیه از مدل‌های توسعه‌داده شده برای توصیف ساختار یک زبان جدید، مانند آنچه در کتاب موردنظر بحث شده است، استفاده شود.

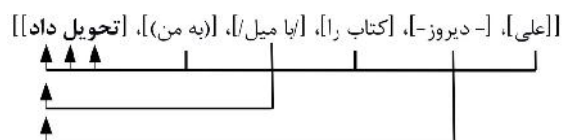
#### ۴.۲.۴ ترسیم وابستگی

ترسیم روابط وابستگی جملات در کتاب حاضر از چند جنبه با شیوه‌ای که امروزه بین پژوهش‌گران در حوزهٔ وابستگی به صورت یک قرارداد موردپذیرش قرار گرفته است متفاوت است که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود.

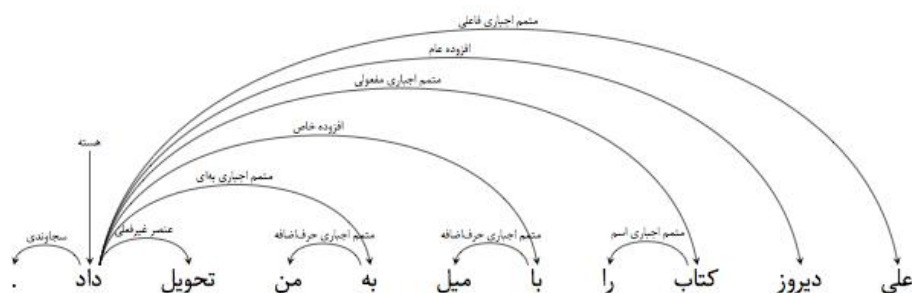
#### ۱.۴.۲.۴ نمایش رابطه وابستگی بین هسته و وابسته

در بخش ۲.۲.۴ که به مقایسه درخت سازه‌ای و وابستگی پرداخته شد، ویژگی «هسته» در دستور وابستگی به این شکل مطرح شد که در درخت وابستگی رابطه وابستگی از سمت حاکم (هسته) به سمت عنصر وابسته است. این ویژگی به اصلی برای نمایش روابط وابستگی در دستور وابستگی شناخته می‌شود. مثال (۴) به هم‌راه درخت وابستگی در شکل (۴-الف) در صفحه ۱۵ کتاب مورد بحث (طیب زاده ۱۳۹۱) آورده شده است. در نمایش وابستگی این جمله، قرارداد مورد پذیرش برای رابطه وابستگی نقض شده است و رابطه وابستگی از سمت وابسته به سمت هسته ترسیم شده است، در حالی که نمودار وابستگی در شکل (۴-ب) براساس قرارداد مورد پذیرش برای مثال (۴) ترجیح داده می‌شود:

(۴) علی دیروز کتاب را بامیل به من تحویل داد.



(الف)

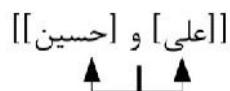


(ب)

شکل ۴. مقایسه نمایش روابط وابستگی در کتاب و قرارداد در دستور وابستگی

ناگفته نماند شیوه نمایش روابط وابستگی گروه‌های هم‌پایه که در صفحه ۳۲۹ کتاب یاد شده ترسیم شده است با شیوه قرارداد مورد پذیرش هم‌سو است و رابطه وابستگی از سمت حرف ربط هم‌پایه‌ساز به سمت وابسته ترسیم شده است، مانند مثال (۵) که این نحوه نمایش روابط وابستگی در تناقض با نحوه نمایش رابطه وابستگی عناصر در سایر گروه‌های نحوی توصیف شده در کتاب یاد شده است.

(۵) علی و حسین



#### ۲.۴.۲.۴ برچسب‌گذاری رابطه وابستگی بین هسته و وابسته

تفاوت دیگری که بین درخت وابستگی (۴- الف) و (۴- ب) وجود دارد این است که به‌جای معرفی و استفاده از علائم ویژه برای بیان نوع روابط وابستگی از برچسب برای تعیین نوع رابطه وابستگی استفاده شده است. برچسب روابط می‌تواند باتوجه‌به هسته دقیق‌تر مشخص شود و به‌اصطلاح دانه‌ریز (fine-grained) شود. وجود اطلاعات دانه‌ریز سبب کاهش ابهام می‌شود. هم‌چنین، از نظر کاربرد عملی در حوزه زبان‌شناسی رایانشی نیز وجود اطلاعات دانه‌ریز به افزایش کارایی یک تجزیه‌گر (parser) خودکار می‌انجامد (قیومی ۱۳۹۵؛ Ghayoomi and Moradiannasab 2012).

#### ۳.۴.۲.۴ فقدان گره غیرپایانی در دستور وابستگی

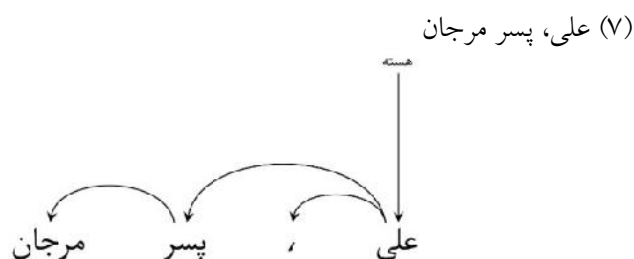
در بخش ۲.۲.۴ که به مقایسه درخت سازه‌ای و وابستگی پرداخته شد، به ویژگی فقدان گره غیرپایانی در دستور وابستگی اشاره شد. بنابراین، آنچه در درخت وابستگی مشاهده می‌شود رابطه وابستگی بین صورت‌واژه‌ها به‌عنوان گره پایانی است. هم‌چنین، وابستگی یک عبارت به یک واژه در دستور وابستگی وجود ندارد و روابط وابستگی فقط بین دو صورت‌واژه است. این دو ویژگی در نحوه ترسیم وابستگی در کتاب یادشده نقض شده است. مثال (۶) به‌همراه درخت وابستگی در شکل (۶- الف) در صفحه ۱۸ کتاب یادشده آمده است. در این تحلیل وابستگی، عبارت [پسر مرجان] وابسته هسته اسمی [علی] است.

(۶) علی پسر مرجان



شکل ۶. تحلیل وابستگی عبارت «علی، پسر مرجان»

این مثال، نمونه‌ای از تحلیل وابستگی در این کتاب است که به صورت ضمنی وجود گره غیرپایانی (گره «A» در شکل ۶-ب) را، که ویژگی دستور ساخت سازه‌ای و بیان‌گر ساختار سلسله‌مراتبی در این دستور است، به ذهن خواننده می‌رساند. استفاده از عباراتی چون «چگونه می‌توان با استفاده از نظریه دستور وابستگی، و براساس شبکه‌ای از روابط سلسله‌مراتبی، نقش دستوری تک‌تک واحدهای واژگانی را [...] نمایش داد» در صفحه ۱۷، «وابسته به کل گروه اسمی»، در صفحات ۳۹ و ۴۰ و «افزوده خاص به مجموع هسته و متمم‌های آن وابسته می‌شود»، در صفحه ۱۳۶ و مانند آن در کتاب یادشده نوع نگاه دستور ساخت سازه‌ای را به ذهن خواننده منتقل می‌کند. ناگفته نماند که استفاده از قلاب، که معمولاً برای دستور سازه‌ای استفاده می‌شود، در تحلیل روابط وابستگی استفاده شده است که این موضوع به نوعی مزید بر این تشویش ذهنی است. می‌توان مثال (۶) را براساس ویژگی‌های وابستگی معرفی شده در بخش ۲.۲.۴ به صورت شکل ۷ تحلیل کرد.

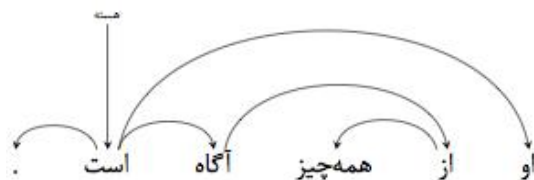


شکل ۷. تحلیل صحیح وابستگی عبارت «علی، پسر مرجان»

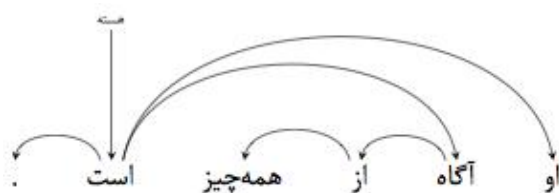
#### ۵.۲.۴ دستور وابستگی افکنشی و غیرافکنشی

در مدل توسعه‌داده‌شده دستور وابستگی، علاوه بر دستور وابستگی افکنشی، نوع دیگر غیرافکنشی این دستور معرفی شده است (Kahane et al. 1998; Lecerf 1960). توصیف ساختاری ارائه‌شده در کتاب حاضر افکنشی است، مانند مثال‌های (۸) و (۹) در صفحه ۲۸۶ کتاب (طیب‌زاده ۱۳۹۱). در این بخش از کتاب توضیح داده شده است که متمم حرف اضافه‌ای یک هسته صفتی می‌تواند قبل و بعد از هسته صفتی قرار گیرد. تحلیل وابستگی این دو مثال براساس قرارداد مطرح‌شده در بخش ۴.۲.۴ در زیر آورده شده است:

(۸) او از همه چیز آگاه است.

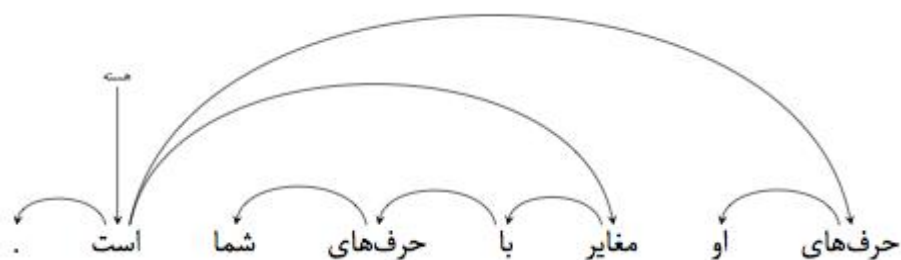


(۹) او آگاه از همه چیز است.

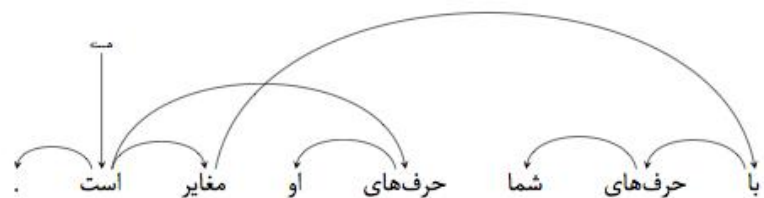


در قسمت توصیف ساختاری متمم‌های هسته صفتی و قرارگرفتن متمم حرف اضافه‌ای قبل و بعد از هسته صفتی که در مثال‌های (۱۰) تا (۱۲) ذکر شده است می‌توان تحلیل روابط وابستگی را، زمانی که عناصر در جایگاه‌های اصلی خود است، مانند مثال (۱۰)، ارائه کرد. ولی ساخت‌های مثال‌های (۱۱) و (۱۲) در قسمت بررسی روابط وابستگی عناصر در این کتاب تحلیل نشده است. با نگاهی به مثال‌های (۱۱) و (۱۲) می‌توان دریافت که در این مثال‌ها ساختار غیرافکنشی که همان قطع یال‌ها در روابط وابستگی است وجود دارد. مثال‌های (۱۱) و (۱۲) نمی‌تواند براساس چهارچوب نظری اولیه مطرح شده توسط تنی‌یر (Tessnière 1953, 1959) در این کتاب تحلیل و بررسی شود. بنابراین، به‌ناچار باید با پذیرش توسعه‌های انجام شده بر روی چهارچوب نظری اولیه دستور وابستگی امکان تحلیل جملات زبان با تنوع ساختاری فراهم آید.

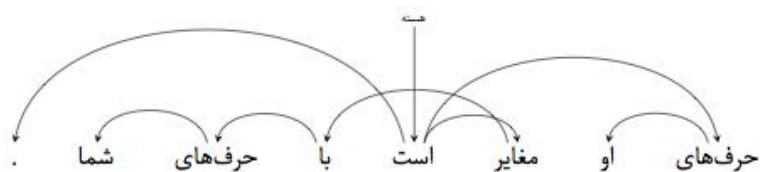
(۱۰) حرف‌های او مغایر با حرف‌های شما است.



(۱۱) با حرف‌های شما حرف‌های او مغایر است.



(۱۲) حرف‌های او مغایر است با حرف‌های شما.



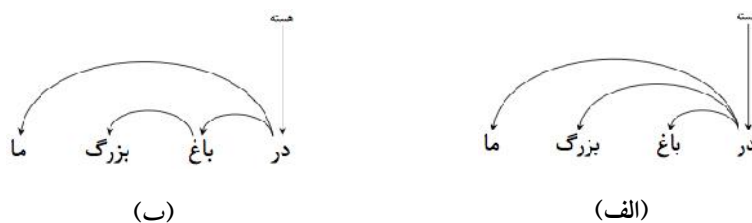
## ۵. پیش‌نهادها

این کتاب از منظر دستور وابستگی به توصیف ساخت زبان فارسی پرداخته است. مطالب به‌صورت شیوا و روان ارائه شده است به‌گونه‌ای که درک آن را برای طیف افراد مختلف آسان می‌کند. در ادامه، پیش‌نهاداتی ارائه می‌شود که ممکن است به غنای محتوایی این کتاب بیفزاید. پیش‌نهاد می‌شود برای ارائه مثال‌ها مؤلف خود را به یک مجموعه واژه اولیه محدود کند و این واژه‌ها را فهرست و اطلاعات واژگانی مربوط به هر واژه را در این فهرست واژگانی درج کند تا دانش اطلاعات واژگانی به‌صورت صریح و نه ضمنی در معرض دید خواننده قرار گیرد. سپس تلاش شود با استفاده از این واژه‌های محدود ساخت‌های بنیادین توصیف شود. مجموعه داده به‌دست‌آمده با این شیوه به «مجموعه داده آزمون» (Lehman et al. 1996 test suite) معروف است. ویژگی سامان‌دهی مثال‌ها براساس ساختار «مجموعه داده آزمون» این است که به‌هنگام توصیف ساخت زبانی اولاً از ذکر واحدهای واژگانی متنوع در مثال‌ها که ممکن است ویژگی‌های مشابه داشته باشد پرهیز می‌شود؛ و ثانیاً به‌جای درگیرکردن ذهن خواننده، هم به توصیف یک ساخت جدید و هم به واژه جدیدی که ویژگی‌های واژگانی مخصوص به خود را دارد، سبب می‌شود ذهن وی فقط به توصیف ساخت جدید معطوف شود. رعایت این نکته می‌تواند کتاب حاضر را در حوزه زبان‌شناسی رایانشی و آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان کاربردی‌تر کند.

پیش‌نهاد می‌شود به‌جای استفاده از قلاب و یال در نمایش تحلیل زبان‌شناختی مثال‌ها فقط از یک شیوه نمایش استفاده شود و از آن‌جاکه در دستور وابستگی از یال برای نمایش

رابطه وابستگی بین دو عنصر هسته و وابسته در جمله استفاده می‌شود فقط از این شیوه برای نمایش روابط وابستگی در سراسر کتاب استفاده شود و از تنوع پرهیز شود. پیش‌نهاد می‌شود موضوع ابهام ساختاری و ترسیم درخت تحلیل آن به مباحث مطرح‌شده در این کتاب اضافه شود. برای نمونه، در صفحه ۲۳۱ کتاب، مثال (۱۳) ارائه شده و به توصیف ساختاری آن اشاره شده است، ولی تحلیل وابستگی آن ترسیم نشده است تا توضیحات ارائه‌شده به صورت بصری مانند درخت تحلیل شکل (۸) قابل درک شود.

(۱۳) در باغ بزرگ ما

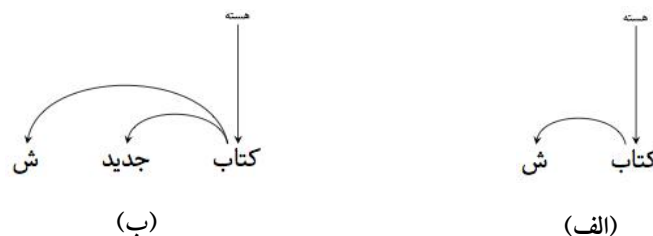


شکل ۸: تحلیل وابستگی عبارت مبهم «در باغ بزرگ ما»

پیش‌نهاد دیگر ارائه توضیحات بیش‌تر برای تحلیل نحوی واژه‌بست است. اگرچه در کتاب واژه‌بست‌های فعلی به‌عنوان هسته جمله تلقی شده است، درمورد واژه‌بست‌های مفعولی در مثال‌های (۱۴-الف) یا (۱۴-ب) توضیحی داده نشده است. قیومی (۲۰۱۲، ۲۰۱۴) و قیومی و کوهن (۲۰۱۴) (Ghayoomi and Kuhn 2014) در تحلیل این موارد از روش جداسازی واژه‌بست از میزبان و نمایش روابط وابستگی مانند درخت تحلیل شکل (۹) استفاده کرده‌اند.

(۱۴) (الف) کتابش

(ب) کتاب جدیدش



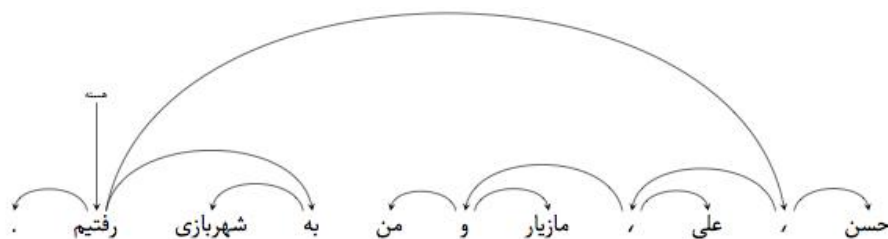
شکل ۹: تحلیل وابستگی عبارت‌های «کتابش» و «کتاب جدیدش»



پیش‌نهاد دیگر مربوط به تحلیل جملات زبان بدون دخل و تصرف در ساختار آن است. در صفحه ۱۵۱ کتاب یادشده عنوان شده است به دلیل امکان حذف به قرینه لفظی یا معنایی در جمله، به منظور بررسی ساخت‌های بنیادین، قسمت‌های محذوف به جمله اضافه شده و سپس کار تحلیل وابستگی انجام شده است. هم‌چنین، جملات بلند به جملات کوتاه‌تر شکسته شده است. این نوع تغییرات سبب ساده‌سازی پیچیدگی ساختار یک جمله می‌شود که ممکن است این شیوه تحلیل در یک تجزیه‌گر خودکار و کاربرد عملی در موقعیت واقعی چندان واقع‌گرایانه نباشد. لذا، باید ویژگی مقولات تهی به صورتی که کاربردی شود توضیح داده شود.

پیش‌نهاد دیگر در مورد ساخت هم‌پایگی متقارن است. گاهی ممکن است به واسطه قرینه لفظی از تکرار حرف ربط هم‌پایه‌ساز متقارن پرهیز شود و از ویرگول استفاده شود، مانند مثال (۱۵). بنابر نظر مایر و کوبلر (Maier and Kübler 2013) و قیومی و کوهن (Ghayoomi and Kuhn 2014)، نقش ویرگول در این عبارات باید همانند حرف ربط تحلیل شود و بایستی رابطه وابستگی نیز مشخص شود، مانند شکل (۱۰).

(۱۵) حسن، علی، مازیاء و من به شهربازی رفتیم.



شکل ۱۰: تحلیل وابستگی مثال ۱۵

پیش‌نهاد می‌شود پژوهش‌های کاربردی انجام‌شده در دستور وابستگی و جملات نشانه‌گذاری شده در چهارچوب نظری این نوع دستور صورت‌گرا که در قالب دادگان درختی ارائه شده است در بخشی از این کتاب آورده شود و از شواهد این داده‌ها برای افزایش غنای علمی کتاب علاوه بر تحلیل‌های ارائه‌شده برای دوستان جمله از نویسندگان سرشناس فارسی‌زبان بهره‌برده شود. در حال حاضر، سه دادگان درختی وابستگی برای زبان فارسی تهیه شده است که هر یک شامل حجمی از داده زبانی بین هزار تا سی هزار جمله است. این سه درخت‌بانک وابستگی عبارت‌اند از: «دادگان درختی وابستگی فارسی اوپسالا» (Uppsala Persian Dependency Treebank) با نام اختصار UPDT (Seraji et al. 2012)،

«دادگان درختی وابستگی فارسی» (Dependency Persian Treebank) با نام اختصار DPT (Rasooli et al. 2013) و «دادگان درختی وابستگی فارسی» با نام اختصار DPTB (Ghayoomi and Kuhn 2014). ناگفته نماند، DPTB به صورت خودکار از اولین «درخت‌بانک سازه‌ای زبان فارسی» (Persian TreeBank) با نام اختصار PTB (Ghayoomi 2012) در چهارچوب دستور ساخت سازه‌ای هسته‌بنیان به ساختار وابستگی تبدیل شده است؛ در نتیجه، برای هر جمله درخت سازه‌ای و وابستگی آن موجود است. به نظر نگارنده این سطور، جامعیت بخشی به موضوعات مطرح شده در این کتاب می‌تواند اقدامی جهت تهیه کتاب مرجع دستور زبان فارسی باشد.

## ۶. نتیجه‌گیری

در این مقاله، کتاب دستور زبان فارسی براساس نظریه گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی معرفی و نقد شد. پس از ارزیابی ساختاری کتاب، محتوای فصل‌های نوزده‌گانه این اثر به صورت مختصر و فشرده توضیح داده شد. سپس، نقاط ضعف و قوت کتاب مورد بررسی قرار گرفت. یکی از ویژگی‌های عمده این کتاب توصیف ساخت زبان فارسی در چهارچوب یک دستور صورت‌گراست که بادقت به صورت مستدل به بررسی مسائل ریز زبانی پرداخته است. این توصیف‌ها موجب می‌شود قابلیت پیاده‌سازی در محیط رایانه و تهیه تجزیه‌گر خودکار فراهم شود.

در کنار نقاط قوت، این کتاب نیاز به بازنگری جدی دارد که بر روی سه نکته متمرکز است. اول آن‌که از نظر اصطلاح‌شناسی در کاربرد دو اصطلاح «نظریه وابستگی» یا «دستور وابستگی» بهتر است به آرای ملچوک (Mel'cuk 1988) توجه شود و از اصطلاح «دستور وابستگی» که در جامعه علمی پذیرفته شده است استفاده شود. هم‌چنین در ترسیم روابط وابستگی در نمودارهای درختی وابستگی، نحوه نمایش کمان باید از شیوه مرسوم و پذیرفته شده در جامعه علمی پیروی کند؛ به این صورت که کمان از هسته شروع و پیکان کمان به وابسته ختم شود.

دوم آن‌که مباحث مطرح شده برای توصیف دستور وابستگی زبان فارسی با دستور سازه‌ای مخلوط شده است؛ به این صورت که از اصطلاحاتی که فقط در دستور سازه‌ای به کار می‌رود در توضیح ساختار دستور وابستگی استفاده شده است. یکی از دلایل این آشفتگی بی‌توجهی به وجوه اشتراک و افتراق این دو خانواده دستوری است. نیاز است که

نقد و بررسی کتاب دستور زبان فارسی براساس نظریه ... (مسعود قیومی) ۲۴۳

یک فصل به کتاب اضافه شود و ضمن اشاره به تاریخچه شکل گیری دستور وابستگی وجوه اشتراک و افتراق دستور سازه‌ای و وابستگی معرفی شود و در سراسر کتاب افتراق بین دستورها رعایت شود.

سوم آن‌که چهارچوب نظری دستور وابستگی که در این کتاب مورد توجه قرار گرفته است، چهارچوب نظری اولیه شکل گیری دستور وابستگی است و به توسعه یافتگی این دستور زبانی که در طول زمان و با پژوهش‌های مختلف برای حل پدیده‌های پیچیده زبانی پیش‌نهاد شده است توجه نشده است. از این رو، نیاز است این توسعه یافتگی‌ها مورد توجه قرار گیرد تا قابلیت توصیف ساخت‌های پیچیده میسر شود.

## کتاب‌نامه

- باطنی، محمدرضا (۱۳۴۸)، *توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی*، تهران: امیرکبیر.
- صادقی، علی‌اشرف و دیگران (۱۳۹۲)، «نشست نقد و بررسی کتاب دستور زبان فارسی»، کتاب ماه ادبیات، ش ۷۷.
- طیب‌زاده، امید (۱۳۸۵)، *ظرفیت فعل و ساخت‌های بنیادین جمله در فارسی امروز؛ پژوهشی براساس نظریه دستور وابستگی*، تهران: نشر مرکز.
- طیب‌زاده، امید (۱۳۹۱)، *دستور زبان فارسی براساس نظریه گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی*، تهران: نشر مرکز.
- غلامعلی‌زاده، خسرو (۱۳۷۴)، *ساخت زبان فارسی*، تهران: احیاء کتاب.
- قیومی، مسعود (۱۳۹۵)، «بررسی مقایسه‌ای تأثیر برجسب‌زنی مقوله‌های دستوری بر تجزیه در پردازش خودکار زبان فارسی»، *پردازش‌های علایم و داده‌ها*، ش ۱۳.
- لازار، ژیلبر (۱۳۸۴)، *دستور زبان فارسی معاصر*، ترجمه مهستی بحرینی، توضیحات و حواشی هرمز میلانیان، تهران: هرمز.
- ماهوتیان، شهرزاد (۱۳۷۸)، *دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی*، ترجمه مهدی سمایی، تهران: نشر مرکز.
- مشکوة‌الدینی، مهدی (۱۳۷۹)، *دستور زبان فارسی برپایه نظریه گشتاری*، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- هدایتی خوش‌کلام، منوچهر (۱۳۹۰)، «دستور زبان فارسی و میرزا حبیب اصفهانی»، *گیلان ما*، ش ۴۳.

Ajdkiewicz, K. (1935), "Die Syntaktische Konnexität", *Studia Philosophica*, no. 1.

Bloomfield, L. (1933), *Language*, Chicago: The University of Chicago Press.

Chomsky, N. (1957), *Syntactic Structures*, Mouton (Hague), Berlin.

- Clarck, S. W. (1847), *The Science of the English Language, A Practical Grammar; in Which Words, Phrases, and Sentences are Classified According to Their Offices, and Their Relation to Each Other, Illustrated by a Complete System of Diagrams*, NewYork and Cincinnati: A. S. Barnes & Co. and Derby, Bradley & Co.
- De Saussure, F. (1916), *Cours de Linguistique Générale*, Lausanne, Paris: Payot.
- Gazdar, G. et al. (1985), *Generalized Phrase Structure Grammar*, Harvard: University Press.
- Ghayoomi, M. (2012), "Bootstrapping the Development of an HPSG-Based Treebank for Persian", *Linguistic Issues in Language Technology*, vol. 7, no. 19.
- Ghayoomi, M. (2012), *From HPSG-based Persian Treebanking to Parsing: Machine Learning for Data Annotation*, PhD Dissertation, Freie Universität Berlin.
- Ghayoomi, M. and O. Moradiannasab (2012), "The Effect of Treebank Annotation Granularity on Parsing: A Comparative Study", in: *Proceedings of the 11th International Workshop on Treebanks and Linguistic Theories*.
- Ghayoomi, M., and J. Kuhn (2014), "Converting an HPSG-based Treebank into its Parallel Dependency-Based Treebank", in: *Proceedings of the 9th International Conference on Language Resources and Evaluation*, Iceland: Reykjavik.
- Harris, Z. S. (1951), *Methods in Structural Linguistics*, Chicago: University of Press.
- Hays, D. (1960), "Grouping and Dependency Theories", in: *National Symposium on Machine Translation*, NewYork: Englewood Cliffs.
- Hays, D. (1964), "Dependency Theory: A Formalism and Some Observations," *Language*, vol. 40, no. 4.
- Jones, W. (1771), *Kit b-i Shakarist n dar Na v-i Zab n-i P rs (A Grammar of the Persian Language)*, London: W. and J. Richardson.
- Joshi, A. K. (1985), *Tree Adjoining Grammars: How Much Context Sensitivity is Required to Provide Reasonable Structural Descriptions?*, Cambridge: University of Press.
- Kahane, S., A. Nasr, and O. Rambow (1998), "Pseudo-Projectivity: A Polynomially Parsable Non-Projective Dependency Grammar", in: *Proceedings of the 36th Annual Meeting of the Association for Computational Linguistics and the 17th International Conference on Computational Linguistics*, Montreal, Quebec, Canada: Association for Computational Linguistics.
- Kaplan, R. M. and J. Bresnan (1982), "Lexical Functional Grammar: A Formal System for Grammatical Representation", in: *The Mental Representation of Grammatical Relations*, Cambridge, MA: MIT Press.
- Kern, F. (1883), *Zur Methodik des Deutschen Unterrichts*, Berlin: Nicolai.
- Kruijff, G.-J. M. (2001), *A Categorical-Modal Logical Architecture of Informativity: Dependency Grammar Logic and Information Structure*, PhD Dissertation, Charles University.
- Lecerf, Y. (1960), "Programme des Conflits, Modele des Conflits", *Bulletin Bimestriel de l'ATALA* 1 (4), 1 (5).
- Lehmann, S. et al. (1996), "TSNLP Test Suites for Natural Language Processing", in: *Proceedings of the 16th Conference on Computational Linguistics*, vol. 2.

- Maier, W. and S. Kübler (2013), "Are All Commas Equal? Detecting Coordination in the Penn Treebank", in: *Proceedings of The Twelfth Workshop on Treebanks and Linguistic Theories (TLT12)*, Bulgaria: Sofia.
- Mazziotta, N. and S. Kahane (2017), "To What Extent is Immediate Constituency Analysis Dependency-Based? A Survey of Foundational Texts", in: *Proceedings of the Fourth International Conference on Dependency Linguistics (Depling 2017)*, Pisa, Italy.
- Mel'cuk, I. A. (1988), *Dependency Syntax: Theory and Practice*, State University of New York, Albany.
- Pollard, C. J. and I. A. Sag (1994), *Head-Driven Phrase Structure Grammar*, Chicago: University of Press.
- Rasooli, M. S., M. Kouhestani, and A. Moloodi (2013), "Development of a Persian Syntactic Dependency Treebank", in: *Proceedings of the HLT Conference of the NAACL*, Atlanta, Georgia.
- Robinson, J. J. (1970), "A Dependency-Based Transformational Grammar," in: *Actes du Xme Congrès International des Linguistes (Bucarest, 1967)*, Bucharest.
- Sangati, F. (2012), *Decomposing and Regenerating Syntactic Trees*, PhD Dissertation, Universiteit van Amsterdam.
- Seraji, M., B. Megyesi, and J. Nivre (2012), "Bootstrapping a Persian Dependency Treebank", *Linguistic Issues in Language Technology*, no. 7.
- Sleator, D. and D. Temperley (1993), "Parsing English with a Link Grammar", in: *Proceedings of the Third International Workshop on Parsing Technologies*, Belgium: Association for Computation Linguistics.
- Tesnière, L. (1953), *Esquisse d'une Syntaxe Structurale*, Paris: Librairie C. Klincksieck.
- Tesnière, L. (1959), *Éléments de Syntaxe Structurale*, Paris: Librairie C. Klincksieck.
- Tesnière, L. (1980), *Grundzüge der Strukturalen Syntax*, Ulrich Engel (trans.), Stuttgart: Klett-Cotta.
- Wells, R. S. (1947), "Immediate Constituents", *Language*, vol. 23, no. 2.
- Wundt, W. M. (1904), *Völkerpsychologie: eine Untersuchung der Entwicklungsgesetze von Sprache, Mythos und Sitte*, Leipzig: Wilhelm Engelmann.

